گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با استاد محمدعلی مجاهدی، پدر شعر آیینی

انقلاب ظرفیت ظلم‌ستیزانه شعر آیینی را زنده کرد

■ مهدی چراغ‌زاده ■

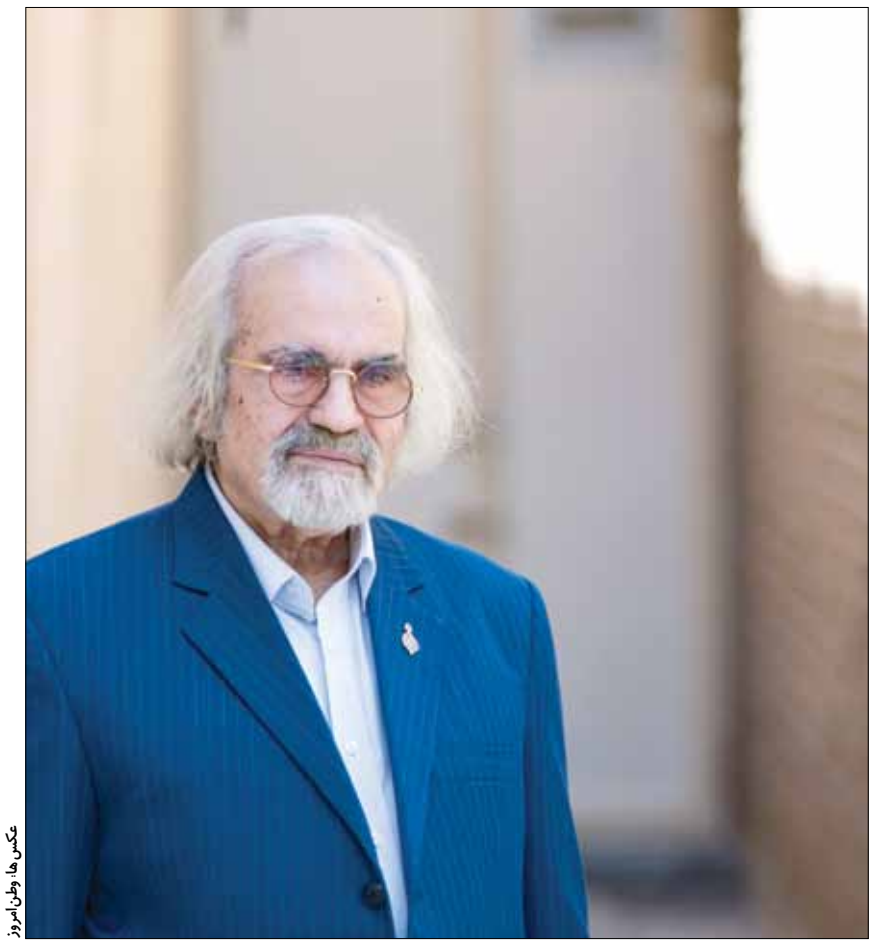

عکس‌ها: وطن‌امروز

محمدعلی مجاهدی متخلص به «پروانه» سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در قم به دنیا آمد، پدرش آیت‌الله میرزا محمد مجاهدی تبریزی است. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و پس از اخذ مدرک کارشناسی حقوق قضایی چند سالی به تحصیل علوم حوزوی و بررسی متون منظوم پارسی و تحقیق درباره شعر آیینی و تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های آن پرداخت و به خاطر پژوهش‌های متعددی که در این عرصه داشته و افق‌هایی که در این عرصه از شعر و ادبیات فارسی برای شاعران ترسیم کرده است، وی را «پدر شعر آیینی» می‌نامند. مجاهدی علاوه بر سمت‌های گوناگونی که داشته، دبیر انجمن شعر «محیط» با قدمتی بالغ بر ۵۴ سال نیز هست. چندی پیش در حاشیه یکی از جلسات انجمن شعر محیط با این استاد شعر فارسی گفت‌وگویی انجام دادیم.

***

■ جناب مجاهدی! از چه سالی سرودن شعر را آغاز کردید و نزد چه اساتیدی تلمذ کردید؟

از دوران کودکی و در دوران مدرسه گاهی ابیاتی به ذهنم می‌آمد. از دوم دبیرستان و از سال ۳۵-۱۳۳۴ سرودن شعر را آغاز کردم و با شرکت در انجمن‌های ادبی مختلفی که در تهران و قم بود، کم‌کم این قریحه خدادادی پرورش پیدا کرد. سال ۱۳۴۲ دوره تربیت معلم را در تهران گذراندم. آن یک سال برای من به اندازه ۱۰ سال پیامد ادبی داشت؛ برای اینکه شبی نبود که ما در انجمنی شرکت نکنیم که چهره‌های شاخص و نام‌آشنای آن زمان در مجامع حضور نداشته باشد. انجمن ادبی حافظ، آذرآبادگان، ایران، صائب، قلم و... انجمن‌های آن زمان بود که ما با حضور در این مراسم و شنیدن آثار اساتید و سایر شعرا احساس می‌کردیم این طبع خدادادی با آفاقی آشنا می‌شده که پیش از این برای من ناآشنا بود. شادروان «محمدعلی فتاح» استاد ارجمند من بودند. ایشان در نقد شعر بسیار دقیق بودند. استاد «محمدعلی ناصح»، رئیس انجمن ادبی ایران که پس از «ملک‌الشعرای بهار»، مدیریت انجمن ادبی را در آن سال‌ها بر عهده داشت، از دیگر اساتیدم بود. ایشان مردی بود در نهایت بزرگواری و از نظر علمی در حد بسیار بالا که اساتید دانشگاه به احترام ایشان می‌ایستادند. از اظهارنظرات ایشان در مجالس و در رابطه با اشعاری که خوانده می‌شد، نهایت استفاده را بردم. خداوند این عزیزان را با مقربان درگاهش همنشین کند.

■ در یکی از دیدارهای شاعران با رهبر حکیم انقلاب، ایشان به خاطراتی که با شما در جلسات ادبی قبل از انقلاب در قم داشتند اشاره کردند؛ ماجرای آشنایی و ارتباط شما با ایشان از کجا شکل گرفت؟

در قم یک انجمن ادبی با پیشینه ۵۰ ساله بود. آخرین حلقه این انجمن مرحوم «سیدحسین حسینی» بود که شاعری سالخورده و توانا بویژه در شعر طنز بود که پس از وفات ایشان جلسات ثابت از منزل ایشان، هر هفته چرخشی شد. من به یاد دارم انجمن شعر قم در دبستان مسعود حوالی خیابان رهبر تشکیل می‌شد. جمعه‌شب‌ها مقام معظم رهبری در بعضی از جلسات انجمن شرکت می‌کردند و بر شعرهایی که خوانده می‌شد، نقدهای اصولی و قابل استفاده وارد می‌کردند. ایشان به اتفاق برادرشان «سیدمحمد» حضور بسیار تاثیرگذاری داشتند. این ۲ برادر در مدرسه حجتیه قم حجره داشتند. پدر من هم که از مدرسان تراز اول حوزه در زمان زعامت آیت‌الله‌العظمی بروجردی(ره) بود، گاهی پس از مباحثه، به خاطر دوستی بسیار قدیمی که با پدر این عزیزان داشتند، به حجره این عزیزان سر می‌زدند. از همان زمان من نسبت به ایشان ارادت داشتم و این ارادت ادامه پیدا کرد و خاطرات بسیار خوشی از آن ایام دارم که مجالی برای گفتن نیست. ایشان با سعه‌صدر و خُلق خوش، پذیرای شعرای جوان بودند و آثارشان را می‌شنیدند و با لطافت، نقد را وارد می‌کردند. ایشان با لبخند نقد می‌کردند و توصیه‌هایی به شعرا داشتند. من که به سهم خودم از آن نقدها آموختم و به عنوان خاطرات خوب زندگی‌ام یاد می‌کنم.

■ انجمن ادبی «محیط» که در منزل حضرتعالی برگزار می‌شود بیش از نیم قرن سابقه دارد، این انجمن چگونه شکل گرفت و چه شاعرانی در آن حضور داشته‌اند؟

دوره تربیت معلم که در تهران تمام شد، مهر ۴۲ انجمن ادبی «محیط» پا گرفت و روز به روز دامنه فعالیتش گسترده‌تر شد و به‌گونه‌ای بود که از کاشان ساوه و محلات در جلسات ما شرکت می‌کردند. این انجمن در منزل انجام می‌شد و الان ۵۴ سال سابقه فعالیت دارد و یکی از کهن‌ترین انجمن‌های ادبی کشور است و کاملا به صورت مردمی اداره شده است. الحمدلله عزیزانی که در این جلسات حضور داشتند امروز از چهره‌های مطرح شعر آیینی هستند. من فکر می‌کنم این انجمن بویژه در تربیت شعرای آیینی، نقش کم‌نظیری داشته و خاطراتی که عزیزان از زمان حضورشان در جلسات هفتگی داشتند، بسیار شیرین است. امیدواریم این زحماتی که کشیده شده و ادامه هم دارد مورد عنایت و قبول حضرت حق و حضرات معصومین علیهم‌السلام قرار بگیرد. از کسانی که در این جلسه شرکت کرده‌اند می‌توان به آقای ناصر فیض، آقایان سیدمهدی حسینی، موحدیان، نعیمی، علوی، برقعی، شرافت و خیلی از عزیزانی که حضور ذهن ندارم اشاره کرد. به هر حال میانگین افرادی که در جلسات ما شرکت می‌کنند در روال عادی کمتر از ۴۰ نفر نیست.

■ چه شد که تخلص «پروانه» را برای خود انتخاب کردید؟

من از کودکی وقتی باغ می‌رفتم و پروانه‌های رنگارنگ را می‌دیدم شیفته می‌شدم؛ بویژه وقتی شمعی روشن می‌شد و تعداد زیادی پروانه دور شمع عاشقانه می‌چرخیدند و بال و پرشان می‌سوخت و با این وجود با همان بال سوخته تلاش داشتند ادامه بدهند. حالت بیدلانه‌ای که در پروانه وجود داشت، مرا به خودش جلب کرد که ان‌شاءالله پروانه شمع وجود اهل‌بیت(ع) باشیم و ما را به این سمت بشناسند.

■ شما را به عنوان پدر شعر آیینی می‌شناسند، اصطلاح «شعر آیینی» از کجا شکل گرفت و این اصطلاح به چه معناست؟

اصطلاح «شعر آیینی» را به جای «شعر دینی» یا «شعر مذهبی» برای نخستین‌بار در یکی از پژوهشی‌هایی که داشتم، به کار بردم، این اصطلاح با اقبال همراه شد. از جهاتی «دین»، «آیین» و «مذهب» کلمات مترادفی هستند که به لحاظ معنا، ساحت‌های معنایی زیاد و وجوه مشترک فراوانی دارند. مثلا وقتی می‌گوییم «مالک یوم‌الدین» یعنی خداوند مالک روز دین است. اینجا دین به معنای قیامت است. در کتب لغوی عرب ۱۸ معنا برای دین عنوان شده است ولی وقتی ما می‌گوییم «دین اسلام» دیگر ذهن‌مان به یک معنا معطوف می‌شود نه ۱۷ معنایی که در اطرافش وجود دارد. یا فرض کنید ما می‌گوییم مذهب؛ مذهب در متون لغوی عرب ۱۱ معنا دارد ولی وقتی می‌گوییم «مذهب جعفری» فقط ذهن ما معطوف به مذهب جعفری می‌شود و سراغ ۱۰ معنای دیگر نمی‌رود. آیین هم به این شکل است. این کلمه ۹ معنی در زبان پارسی دارد. معانی مختلف که یکی مترادف با دین، آیین و مذهب است. وقتی ما می‌گوییم «آیین اسلام» دیگر ذهن‌مان سراغ آن معانی هشت‌گانه دیگر نمی‌رود و معطوف به همان معنایی که با دین مترادف است، می‌شود، بنابراین شعر آیینی یعنی شعر دینی، نه اینکه شعری که به مراسم می‌پردازد. اگر بگوییم شعر آیینی یعنی شعری که مربوط به مراسم است، کدام مراسم؟ در کدام دین و مذهب؟ در کدام کشور و حیطه جغرافیایی؟ اگر بخواهیم به آن معنا بگیریم به پاسخی مبهم می‌رسیم.

احساسم این است که جنبش‌های مردمی که کارهای فرهنگی می‌کنند توفیق‌شان در پرداختن به این مسائل بیشتر از فعالیت‌هایی است که در بخش دولتی می‌بینیم. اقدامات این جنبش‌های مردمی که کارهای فرهنگی انجام می‌دهند ریشه‌دار و ماندگار است

یک عده از عزیزان معتقد بودند اصطلاح «شعر آیینی» خیلی مناسبت ندارد. من پاسخی که الان خدمت‌تان دادم را برای‌شان تبیین کردم. من ۴۰ سال در نوشته‌ها می‌خواندم که مذهب ما «مذهب جعفری» و «دین اسلام» است. من هیچ‌وقت در ذهنم از مذهب جعفری و دین اسلام، معانی دیگر خطور نمی‌کرد. این معنا کاملا در کلمه ورود و حضور دارد و نیازی به شرح و تفسیر ندارد. لذا شعر آیینی آیینگی یک شاعر متعهد آیینی را به تصویر می‌کشد.

شعر آیینی زلالی فطرت و پاکی طینت و طبیعت و از طرفی یک قلمرو موضوعی بسیار وسیع و گسترده است. وقتی در تعریف شعر آیینی می‌گوییم شعر آیینی شعری است که به لحاظ محتوایی و معنایی به نحوی متاثر از منابع دینی و متون متین اسلامی است، بنابراین کاملا حیطه موضوعی شعر را مشخص کرده‌ایم. اگر بخواهید در غیر این حیطه طبع‌آزمایی کنید، اثر شما به عنوان یک شعر آیینی شناخته نمی‌شود؛ یعنی در قلمرو شعر آیینی حضورش به عنوان شهروند شعر آیینی به رسمیت شناخته نمی‌شود، زیرا به لحاظ معنایی بیرون از این حیطه است.

■ وجه تمایز شعر آیینی با دیگر اشعار چیست؟ قلمرو شعر آیینی کجاست؟

در موضوع شعر آیینی گفتیم ساختار، قالب و سایر تکنیک‌هایی که در شعر به طور کلی مطرح است در شعر آیینی هم مطرح است و هیچ فرقی به لحاظ ساختاری نمی‌کند ولی به لحاظ معنایی و معنوی و محتوایی یک وجه ممیزهای خاصی دارد و آن داشتن صبغه دینی است. این صبغه را بردارید شعر غیرآیینی می‌شود. این قلمرو چیست؟ شما در مقوله توحید «ستایش»، «پرستش» و «نیایش» را دارید. این ۳ مقوله زیرمجموعه مقوله توحید هستند که در زبان پارسی عرصه بسیار پهناوری دارند. بخشی از قلمرو شعر توحیدی، «شعر اخلاقی»، «عرفانی» و «پند و نصیحت» است. فرض کنید ما جهاد اکبر و جهاد اصغر می‌گوییم. جهاد اصغر به معنای روبه‌رو شدن با دشمن بیرونی و عدم اجازه فعالیت به او است اما جهاد اکبر جهاد با نفس است. ما از این ۲ مقوله به عنوان شعر رهایی استفاده می‌کنیم. یعنی در یک بعد رهایی انسان از رذایل اخلاقی، هوای نفس و تمام تعلقات که مانع رسیدن انسان به نقطه کمال است. این شعر یک جنبه اجتماعی هم دارد که جامعه به مقام رهایی و حریت برسد و جامعه، جامعه‌ای مستقل باشد و برای رسیدن به آن نقطه هدف، باید با دشمنان بیرونی رو در رو شود. وقتی می‌گوییم شعر رهایی، در بعد فردی، تهذیب نفس است و در بحث جمعی به معنای آمادگی اجتماع برای رویارویی با رذایل و فساد در جامعه است. حالا مقوله‌های بیداری در این عرصه قابل تعریف است. مقوله بیداری به معنای آمادگی لازم برای فعالیت‌های فرهنگی و نقشه‌های فرهنگی دشمن را نقش برآب کردن است. پیش از انقلاب و اوایل انقلاب تلقی از شعر دینی این بود که فقط شعرهایی که در مناقب و مدایح حضرات معصومین علیهم‌السلام است، شعر آیینی شناخته شود اما قلمرو موضوعی شعر آیینی فراتر از اینهاست. این موضوع اثبات شده است. به عنوان مثال نیازی نیست رابطه توحید را با شعر توحیدی توضیح دهیم، زیرا معلوم است این شعر می‌خواهد بگوید خدا یکی است و صفات ثبوتی و... چیست. ما باید وقتی شعر آیینی می‌گوییم، پازلی را در نظر بگیریم که قطعه‌های مختلفی دارد. یک قطعه‌اش شعر توحیدی است؛ یک قطعه شعر اخلاق و یک قطعه شعر حکمت‌آمیز و رهایی و... است.

■ یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین موضوعات شعر آیینی شعر ولایی است؛ درباره آن مقداری توضیح دهید.

«شعر ولایی» یکی از اقسام شعر آیینی در زبان فارسی با قدمت ۱۱ سده‌ای است. این شعر به حضرات معصومین و خاندان نبوی اهل‌بیت عصمت و طهارت اختصاص دارد. با این تعریف و زیر مجموعه‌هایی که یاد کردیم می‌توانیم شعر آیینی را به لحاظ موضوعی به پازلی همانند کنیم که دارای قطعه‌هایی است. وقتی اینها کنار هم قرار می‌گیرند قلمرو موضوعی شعر آیینی شکل می‌گیرد. خود شعر ولایی یک قطعه چشمگیری از پازل شعر آیینی است که شامل شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر بقیع، شعر عاشورا، شعر رضوی، شعر مهدوی و اشعاری که مربوط به سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام است، می‌شود. در حیطه شعر رضوی وقتی ورود می‌کنیم، باز خود آن شعر زیرمجموعه‌هایی دارد. فرض کنید «شعر کرامت» مخصوص وجود نازنین حضرت فاطمه معصومه(س) است. در این حیطه می‌توانیم از بستگان آقا امام رضا مثل برادران و خواهران‌شان یاد کنیم. غیر از حضرت معصومه، در اصفهان بی‌بی زینب‌خاتون دفن هستند که خواهر حضرت معصومه(س) هستند. شاهچراغ برادر حضرت امام رضا(ع) هستند. در قم حضرت موسی بن مبرقع(ع) هستند که نوه امام رضا(ع) حساب می‌شوند که در پیشینه شعر ولایی ما آثاری به ایشان اختصاص دارد.

■ چرا شعرای جوان بیشتر به سرودن شعر پیرامون برخی ائمه مبادرت دارند مانند حضرت اباعبدالله الحسین، حضرت امیرالمومنین و امام رضا علیهم‌السلام و کمتر به سرودن شعر درباره دیگر ائمه می‌پردازند؟

دلیلش این است که کمتر به این مقربان عالم وجود پرداخته شده است. گناهش به گردن متولیان امور دینی و فرهنگی کشور است. شما اگر وضعیت شعر آیینی قبل از پیروزی انقلاب را در نظر بگیرید به لحاظ موضوعی در شعر ولایی پس از انقلاب تا حدی از مظلومیت این عزیزان کاسته شده است. یعنی به این حضرات اقبال نشان داده شده و در کنگره‌ها و یادواره‌ها و... بتدریج این خلأیی که به آن اشاره کردید پرشده است. من برای شعر آیینی کشور آینده بسیار افتخارآمیزی را پیش‌بینی می‌کنم و بسیاری از سخن‌سنجان و سخن‌شناسان نیز بر این باور هستند که دهه گذشته دهه بالندگی شعر آیینی بوده است. ان‌شاءالله اگر کمی و کاستی وجود دارد اینها رصد می‌شود و در اولویت برنامه‌های کاری متولیان امور فرهنگی کشور قرار می‌گیرد. احساسم این است که جنبش‌های مردمی که کارهای فرهنگی می‌کنند توفیق‌شان در پرداختن به این مسائل بیشتر از فعالیت‌هایی است که در بخش دولتی می‌بینیم. اقدامات این جنبش‌های مردمی که کارهای فرهنگی انجام می‌دهند ریشه‌دار و ماندگار است. ما امروز شاهد بسیاری از این کنگره‌ها و یادواره‌ها هستیم که اصلا از منابع دولتی استفاده نمی‌کنند و مردم به خاطر علاقه‌ای که دارند در نهایت شیفتگی حضور پیدا می‌کنند و بار مالی این مراسم شکوهمند را بر عهده می‌گیرند.

■ شما شعری دارید که بیت اول و آخر آن «کرده است جهل و آز عریض و طویل‌تان/ بد جور بدقواره شده مستطیل‌تان :... تاریخ هم به دور شما خط کشیده است/ حتی به موزه راه ندارد فسیلتان» است با توجه به این شعر و تعریفی که از شعر آیینی ارائه دادید، آیا شعر اعتراض نیز در چارچوب شعر آیینی تعریف می‌شود؟

اعتراض حق هر مسلمان متعهدی است. از صدر اسلام این مقوله وجود داشته است. یعنی چه؟ یعنی وقتی یک مسلمان می‌بیند در یک جامعه اسلامی شرایطی دارد حاکم می‌شود که کیان و اعتبار اسلام زیر سوال می‌رود، در اینجا هر مومنی حق اعتراض دارد. در زمان حکومت حضرت امیر(ع) می‌بینید سیره علوی در مورد حکومت اسلامی که امروز برای ما الگو است، چگونه است. شما نهج‌البلاغه را ورق بزنید. مرتب ایشان در خطبه‌ها به این مساله تاکید می‌کنند که یک حقی من به گردن شما دارم و حقی شما به گردن من دارید. حقی که من به گردن شما دارم این است که اگر می‌بینید بیراهه می‌روم، وظیفه شما تذکر است. وظیفه من خلیفه این است که به عدالت رفتار کنم و حق شما را تضییع نکنم.

■ درباره به کار بردن همین مسائل در حوادث امروز هم مثالی می‌زنید.

اگر مصادیقش را در زمان خودمان بررسی کنیم، به زمان انقلاب می‌رسیم. انقلاب به پیروزی رسید و پیامدهای بسیار درخشان و چشمگیری در بعد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشته است. این پیامدها حتی از مرز جغرافیایی ایران عبور و در سایر کشورها رسوخ کرده و بدون اینکه حکومت اسلامی بخواهد انقلاب را صادر کند، حقانیت این انقلاب برای سایر کشورها سرمشق شده است. افغانستان و شیخ‌نشین‌های منطقه، سوریه، لبنان، یمن و... را نگاه کنید. دولت‌هایی خواستند دهان مردم را بدوزند و اجازه اعتراض به آنها ندهند اما امروز با اقبال جامعه اسلامی روبه‌رو نیستند. طالبان و داعش را برای این به‌وجود آوردند که آن خودکامگی‌ها ادامه پیدا کند و سدی را با رعب و وحشت برابر نفوذ معنوی انقلاب ایجاد کنند ولی موفق نبودند و روز به روز بر تعداد کسانی که به انقلاب اسلامی رو می‌آورند و تشنه معارف اسلامی هستند اضافه می‌شود. الان شما نگاه کنید در همین کشورهای مجاور ما روزی نیست که عده‌ای به وضع ناگوار کشورشان اعتراض نکنند. قبل از انقلاب ما این مسائل را نمی‌دیدیم، زبان‌ها بریده شده بود. این طلسم و تابوی تاریخی شکسته شد و این بزرگ‌ترین خدمت از بعد سیاسی و انسانی بود که انقلاب اسلامی توانست به بشریت هدیه دهد. موضوع شعر اعتراض، پرداختن به جرثومه‌های فساد و ستم‌ورزی در عصر حاضر که به ناروا در راس قدرت قرار گرفتند و مسلمانان را به اسارت گرفتند، است. قبلا این موضوع نهان بود و امروز آشکارا با صهیونیسم بین‌الملل عقد اخوت و برادری می‌بندند و جام به جام هم می‌زنند و به سلامتی هم می‌نوشند و هیچ ابایی از کسی ندارند، چون تصور می‌کنند یک قدرت جهانی مثل آمریکا تا ابد می‌تواند اینها را سر پا نگاه دارد. الان بزرگ‌ترین رسالت شاعر آیینی ما این است که نقش وهابیت را در تخریب فرهنگ مانای شیعی نشان دهد.

■ یکی از اتفاقات مهم بعد از انقلاب، ۸ سال دفاع‌مقدس بود و در حوزه شعر دیدیم که شاعران با پیوند دادن جنگ تحمیلی به حادثه کربلا حماسه‌سرایی می‌کردند و نقش چشمگیری در روحیه رزمندگان داشتند. شعر ماندگار «چنگ دل آهنگ دلکش می‌زند/ ناله عشق است و آتش می‌زند» نیز از شماست که نشان از این موضوع دارد؛ به نظر شما شعر آیینی و شعر دفاع مقدس چگونه با هم پیوند خوردند؟

در زمان صدر اسلام وقتی به کشور اسلامی حمله می‌شد، بر مسلمانان واجب بود دفاع کنند. گاهی واجب کفایی می‌شد. یعنی اگر تعدادی از مسلمین برای جلوگیری از دشمن می‌رفتند و نیازی به دیگران نبود این ضرورت از عهده دیگران خارج می‌شد. اگر واقعا این مساله اتفاق نمی‌افتاد واجب عینی و جنگ برای همه واجب می‌شد. این موضوع در دفاع مقدس صورت عینی گرفت. دفاع و پایداری و مقاومت در برابر دشمن و در نهایت جهاد و شهادت که اینها هر کدام عنوان خاصی را در شعر آیینی دارند.

■ انقلاب اسلامی چقدر در پیشرفت شعر آیینی اثرگذار بوده است؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شعر آیینی در مقایسه با ادوار گذشته تاریخی از بالندگی چشمگیری برخوردار است و بسیاری از اهل سخن و سخن‌شناسان با من هم‌عقیده هستند که دهه اخیر را باید به عنوان دهه شعر آیینی نامگذاری کرد، چرا که در این دهه شعر آیینی به لحاظ محتوایی اوج گرفته است. در شعر آیینی از دیرباز ۲ مقوله مناقب و مدایح بویژه در موضوع مرثیه‌سرایی، دارای نگاه عاطفی محض بود. این سبک شعر- قرائت عاطفی و ماتمی محض از حادثه عاشورا- حداقل ۵۰۰ سال حاکمیت بلامنازع داشت. بتدریج قرائت‌های دیگری در کنار این شعر دیده شد که فرهنگ گرانسنگ عاشورا، یک فرهنگ تک‌بعدی نیست و یک منشور چندبعدی است و هرکس از یک زاویه به این مهم نگاه کرده و با یک فضای بیکران مواجه شده است. بعد از پیروزی انقلاب، این را کاملا احساس می‌کنیم که بسیاری از شعرای جوان و متعهد ما نگاه لایه‌شکافت و نافذی به ابعاد مختلف فرهنگ عاشورا انداختند و ناگفته‌ها و ناشنفته‌ها را رصد و تصویر کردند. یعنی مقوله‌هایی که هزار و ۱۰۰ ساله جایش خالی بود و گفته نمی‌شد را شناسایی کردند. در شعر عاشورا ما کرامت، گذشت، مقاومت، شهادت، مروت، جوانمردی، حماسه، اشک و آه، شور و عاطفه، هدایت و امر به معروف و نهی از منکر را داریم. در شعر از بسیاری از این مقوله‌ها رد شده بودیم و به آن نپرداخته بودیم من به خاطر این قیام کردم که جامعه اسلامی دچار انحراف شده بود؛ برای جلوگیری از این انحراف که بعد از سقیفه در حال نهادینه شدن بود، قیام کردم. یکی از محوری‌ترین موضوعات فرهنگ عاشورا ظلم‌ستیزی است. پیش از انقلاب فرض کنید یک یا ۲ چهره شاخص داشتیم که در این عرصه کار کردند. فقط مثل اینکه وحی منزل بود که بعد گریه‌خیز شعر عاشورا را درشت‌نمایی کنیم. در این مسیر گاه برخی قصه‌های خودساخته که نه پشتوانه روایی و نه تاریخی دارد و نه عقل آنها را باور می‌کند، مطرح شد. فرض کنید یک نفر در روز عاشورا آمده که طول نیزه‌اش ۱۸ متر بوده است. اینکه کسی بخواهد این نیزه را بگرداند که باید ۱۰ نفر کمکش کنند. چطور می‌خواهد با این نیزه جنگ کند؟ از این افسانه‌ها زیاد است.

در همین کشورهای مجاور ما روزی نیست که عده‌ای به وضع ناگوار کشورشان اعتراض نکنند. قبل از انقلاب ما این مسائل را نمی‌دیدیم، زبان‌ها بریده شده بود. این طلسم و تابوی تاریخی شکسته شد و این بزرگ‌ترین خدمت از بعد سیاسی و انسانی بود که انقلاب اسلامی توانست به بشریت هدیه دهد

■ چه آفات و خطراتی شعر آیینی را تهدید می‌کند؟

به‌رغم رویش‌های چشمگیری که شعر آیینی پس از پیروزی انقلاب داشته است، ما متاسفانه با ریزش‌هایی هم مواجه بودیم. یعنی آثاری که بیشترشان در قلمرو شعر ولایی قرار می‌گیرند، از لحاظ محتوایی آفت‌زده هستند. یعنی بایدها و نبایدهایی و مولفه‌های الزامی و پرهیزی را که در ارتباط با شعر آیینی مطرح است و هر شاعر متعهد و متدین باید به این مولفه‌ها تن بدهد، رعایت نمی‌کنند. بعضی از این مولفه‌ها جنبه الزامی و برخی جنبه پرهیزی دارد. آن جنبه‌های پرهیزی خطوط قرمزی هستند که ما حق نداریم از آن خطوط قرمز عبور کنیم. متاسفانه عده‌ای از شعرای جوان ما به خاطر شور و حال شرگرفی که در هنگام آفرینش یک اثر هنری پیدا می‌کنند، ناخودآگاه از این خطوط قرمز عبور می‌کنند ولی همین خوراک وهابیت می‌شود. وهابیت امروز از همین نقاط سوءاستفاده می‌کند و اینها را درشت‌نمایی می‌کند و با رسانه‌هایش در سطح جهان ذهن بشریت را نسبت به شیعه خراب می‌کند. فرض کنید فردی در شعر از مسائلی که شارع مقدس ما را از ورود به این حیطه نهی کرده است، بگوید. یعنی اگر کسی باور قلبی‌اش این باشد که علی خداست، مسلم است حکم شرعی آن چیست. بودند کسانی که حضرت را خدا می‌دانستند و توسط خود حضرت، حد شرعی خوردند. آن چیزی را که ما در شعر ولایی نیاز داریم باید از سرچشمه نه از متون دسته‌چندمی گرفته باشیم. منابع دست اول ما که مربوط به سده سوم و چهارم هستند، غالبا به فارسی ترجمه شدند و شعرای آیینی ما باید با مطالعه دقیق و مروری بر این منابع متقن و متین، آگاهی‌های لازم را نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت پیدا کنند. با اتکا به آن آگاهی‌هاست که ما شاهد آفرینش آثاری خواهیم بود که بتدریج مورد اقبال جامعه قرار می‌گیرد و ماندگاری پیدا می‌کند. به عنوان یک خواهش از شعرای جوان متعهد که افتخارات زیادی برای شعر آیینی معاصر آفریدند، می‌خواهم همین آفات محتوایی را از آثارشان حذف کنند و مسلم بدانند حضرات معصومین از این عمل آنها رضایت خواهند داشت.

■ با توجه به موضوع رویش‌ها و ریزش‌هایی که گفتید، نقطه قوت شعر آیینی امروز چیست؟

نقطه قوت شعر آیینی ما امروز نگاهی است که به بعد حماسه، عقلانیت و بیداری دارد. الان جوامع و کشورهای مسلمان همسایه ما تشنه این مسائل هستند و باید به آنها خوراک داد. خوراک‌شان که گریه نیست. باید برای تبیین فرهنگ عاشورا آثاری که این مسائل را فریاد بزند، تدوین کرد. همانطور که امام حسین(ع) را در شهامت و شجاعت تعریف می‌کنیم، بعد گذشت امام حسین را نشان دهیم که حر را که به ظاهر عامل به وجود آمدن فاجعه عاشوراست، وقتی شرمنده و نادم می‌بیند، بدون هیچ قید و شرطی توبه‌اش را می‌پذیرد و به او می‌گوید سرت را بلند کن. این تصاویر خیلی کمرنگ بود. بعد از انقلاب این مفاهیم بازپروری و احیا شد. من آینده بسیار روشنی برای شعر متعهد و ارزشی پیش‌بینی می‌کنم که نه یک سر و گردن که ده‌ها سر و گردن بالاتر از وضع کنونی می‌ایستد. این یک ادعا نیست و قابل اثبات است. یک نکته بگویم؛ آیا شعر عاشورا با شعر عاشورایی فرق می‌کند. من عرض می‌کنم بله! شما در شعر عاشورا می‌توانید از گریه حضرت آدم بر شهادت امام حسین(ع) تا هر چه بوده را روایت کنید. این شعر عاشوراست که مقوله‌های مرتبط با این حادثه در آن آمده است ولی شعر عاشورایی کدام است؟ شعر عاشورایی شعری است که گلواژه‌های فرهنگ عاشورا را باید شناخت و آنها را به تصویر کشید و درباره آن مفاهیم ارزشی به خلق آثار پرداخت. فرق این دو در همین بعد ارزشی و حماسی است و الا هر دو، بعد ماتمی را دارند. ما ضمن اینکه بر بعد ماتمی و احساسی فرهنگ عاشورا اصرار می‌ورزیم، بیشتر از آن به بعد حماسی و ارزشی فرهنگ عاشورا علاقه داریم و معتقدیم باید این ۲ بال با هم به حرکت دربیاید. ۵۰۰ سال تمام ما فقط در فضایی حرکت کردیم و شعرای ما فقط در فضایی تنفس کردند که آکنده از ملال و غم و حزن بوده است ولی پیروزی انقلاب و آن اصولی که باعث پیروزی انقلاب شد چه بود؟ «هیهات منا الذله». این یک رجز عاشورایی حماسی کوبنده است. چرا درباره اینها صحبت نمی‌کردیم؟ شما ببینید شهدای روز عاشورا در میدان چه می‌گفتند؟ رجزهای‌شان را نگاه کنید. همه صحبت این را می‌کنند که ما مقاوم برابر سیل بنیان‌کن ایستادایم و جان‌مان را فدا می‌کنیم و از اینکه این توفیق نصیب ما می‌شود خوشحالیم و کاش هزاران جان داشتیم و هزاران بار شهید می‌شدیم. به هر حال این کلیاتی راجع به شعر آیینی است.

■ شما در طول بیش از ۵۰ سالی که در عرصه شعر بویژه شعر آیینی فعالیت داشته‌اید آثار ارزنده‌ای را تقدیم جامعه ادبی کرده‌اید که واقعا جای تشکر و قدردانی دارد؛ درباره آثار تان و کارهای پژوهشی که انجام داده‌اید مقداری توضیح بفرمایید.
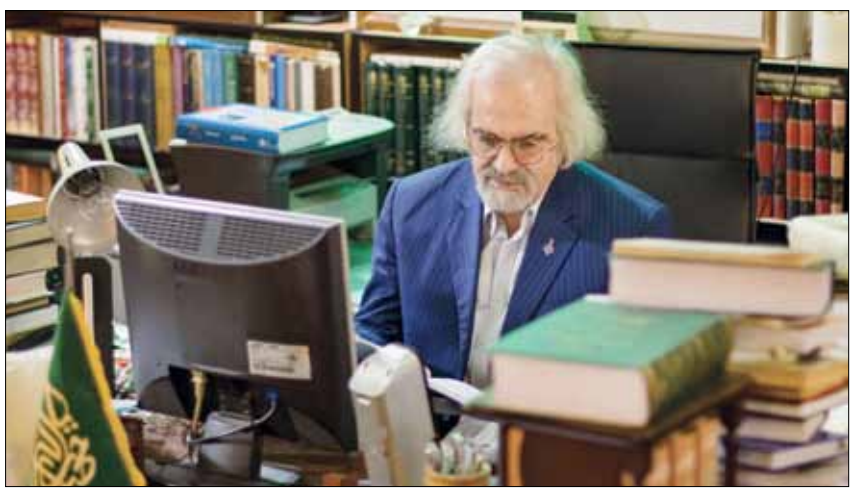
رهاورد این ۵۰ سال فعالیت علاوه بر بعد آموزشی، کارهای پژوهشی من است که مورد اقبال جامعه علمی قرار گرفته است. کارهای تحقیقی من افزون بر ۱۲ مورد است. «شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی»، «سیمای مهدی موعود در آیین شعر فارسی»، «سیری در قلمرو شعر نبوی»، «تذکره شعرای قم» و «تذکره شعرای روحانی» در ۳ مجلد؛ از این آثار زیاد است. «ترجمه صحیفه سجادیه»، «ترجمه ثواب الاعمال»، «زندگینامه حضرت آیت‌الله محتهدی» در ۲ جلد که تاکنون ۲۵ تجدید چاپ ۵ هزار تیراژی شده است و الحمدلله اقبال و تاثیر عجیبی در مخاطبان داشته است. در کنار کارهای پژوهشی مجموعه شعرهای خودم را در دست چاپ و انتشار دارم. برای نمونه «سیری در ملکوت»، «آسمانی‌ها»، «یک صحرا جنون»، «یک آسمان پرواز»، «ایستاده باید مرد»، «شکوه تماشایی»، «آینه‌های سفالی»، «ما هر چه داشتیم به پای تو ریختیم» و... گلچینی از اشعار ولایی مورد نیاز قاطبه ستایشگران اهل‌بیت نیز دارم که به چندین چاپ رسیده است.